تحلیل

قیمت نفت در آستانه افزایش هفتگی چشمگیر

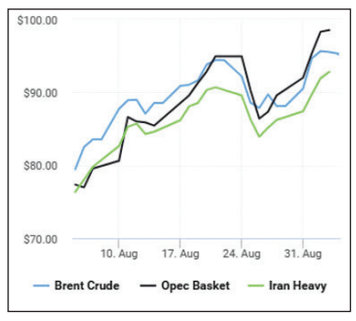

قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی افزایش یافت و تحت تاثیر تجاوز نظامی امریکا به ایران که نگرانی‌ها در مورد خطرات عرضه در خاورمیانه را تجدید کرد، در مسیر بزرگ‌ترین افزایش هفتگی از اواسط جولای قرار دارد. به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت خام برنت با ۱۵ سنت یا ۰.۲ درصد افزایش، به ۹۵ دلار و ۶۷ سنت در هر بشکه رسید، در حالی که قیمت آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا با ۲۶ سنت یا ۰.۳ درصد افزایش، به ۹۱ دلار و ۵۶ سنت در هر بشکه رسید. از ابتدای معاملات هفته جاری تاکنون، نفت برنت ۷.۱ درصد و وست تگزاس اینترمدیت ۹.۸ درصد رشد قیمت یافتند و در آستانه بزرگ‌ترین افزایش هفتگی از هفته منتهی به ۲۰ جولای قرار گرفتند. تجاوز نظامی دشمن امریکایی در هفته جاری، به شهادت و زخمی شدن ده‌ها نفر، از جمله مردم غیرنظامی منجر شد و پاسخ دفاعی ایران را در پی داشت. تجاوز امریکایی صهیونی که در ۲۸ فوریه (۹ اسفند) آغاز شد، اکنون در هفتمین ماه خود است. بر اساس گزارش رویترز، دو مقام انرژی عراق روز چهارشنبه اعلام کردند که عراق صادرات نفت خود را از حدود ۱.۳۵ میلیون بشکه در روز در ماه جولای به حدود ۲.۳۴ میلیون بشکه در روز در ماه آگوست افزایش داده است و انتظار می‌رود صادرات سپتامبر نیز با تخفیف‌های سنگین و مجوزهای ایران با عبور کشتی‌های عراقی از تنگه هرمز که خریداران را تشویق می‌کند، افزایش یابد. معامله‌گران تمرکز خود را به ردیابی جریان نفت از خلیج فارس بازگردانده‌اند، زیرا ارزیابی‌های متناقض، مقیاس ترافیک را مبهم می‌کند. دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا در پستی در شبکه اجتماعی خود مدعی شد حدود ۱۸ میلیون بشکه در روز از تنگه هرمز عبور می‌کنند، که تنها کمی کمتر از سطح قبل از جنگ است. اما معامله‌گران این اظهارات را نادیده گرفتند. شرکت‌هایی کپلر، ورتکسا و تانکرترکر که جریان‌های نفتی دریایی را رصد می‌کنند میانگین نرخ حمل و نقل از این آبراه حیاتی را کسری از این سطوح اعلام کردند. تا همین اواخر، در ۲۷ آگوست، معامله‌گران تخمین زده بودند که این میزان ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز است. در این بین، عرضه سوخت به‌طور قابل توجهی محدودتر شده است و حملات اوکراین به پالایشگاه‌های روسیه این فشار را تشدید کرده است. این تاثیر روبه‌وخامت با افزایش قیمت دیزل در امریکا که به بالاترین حد خود از اواسط سال ۲۰۲۲ رسید، برجسته شد. طبق اعلام انجمن اتومبیل امریکا، میانگین قیمت ملی دیزل روز چهارشنبه به ۵.۷۸۳ دلار در هر گالن افزایش یافت و از اوج قبلی زمان جنگ که در آوریل ثبت شده بود، فراتر رفت.

خبر

قیمت، درآمد، دما و جمعیت چگونه مصرف برق را تغییر می‌دهند؟

در تحقیقی جدید که به مصرف برق خانگی در استان‌های پرمصرف ایران پرداخته است، پژوهشگران نقش برخی شرایط اقتصادی، جمعیتی و آب‌وهوایی را در شکل‌گیری الگوی مصرف خانوارها بررسی کردند. به گزارش ایسنا، برق یکی از زیرساخت‌های اصلی زندگی امروز و توسعه اقتصادی جوامع به شمار می‌رود. بسیاری از فعالیت‌های روزمره مردم، از روشنایی خانه‌ها و نگهداری مواد غذایی گرفته تا استفاده از وسایل سرمایشی، گرمایشی و پخت‌وپز، به دسترسی پایدار به برق وابسته است. به همین دلیل، میزان و شیوه مصرف برق فقط یک موضوع مربوط به قبض خانوار نیست، بلکه با کیفیت زندگی، برنامه‌ریزی شهری، مدیریت منابع و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز ارتباط دارد. بخش خانگی در میان مصرف‌کنندگان انرژی جایگاه مهمی دارد و سهم قابل توجهی از برق کشور در خانه‌ها مصرف می‌شود. افزون بر این، یارانه برق نیز در سال‌های گذشته عمدتاً به این بخش اختصاص یافته است. بنابراین، شناخت دقیق‌تر علت‌های افزایش یا کاهش مصرف برق خانگی می‌تواند به تصمیم‌های بهتر برای تأمین برق و استفاده مسوولانه‌تر از منابع کمک کند. مصرف برق خانوارها در همه مناطق یکسان نیست و عوامل مختلفی می‌توانند آن را تغییر دهند. برای نمونه، اندازه خانه، تراکم ساختمان‌ها، شکل شهرها، نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری و سبک زندگی مردم بر نیاز به انرژی اثر می‌گذارند. شرایط فصلی نیز اهمیت زیادی دارد؛ در مناطق گرم، استفاده از وسایل سرمایشی و در مناطق سرد، نیازهای گرمایشی می‌تواند مصرف را افزایش دهد. از سوی دیگر، سطح درآمد، تعداد جمعیت و قیمت برق نیز در تصمیم خانوارها برای استفاده از وسایل برقی نقش دارند. بررسی این عوامل ضروری است، زیرا برنامه‌ریزی برای تولید، انتقال و توزیع برق بدون شناخت تقاضای واقعی و رفتار مصرف‌کنندگان دشوار خواهد بود. مطالعه مصرف برق، به‌ویژه واکنش مردم به تغییر قیمت و درآمد، می‌تواند زمینه طراحی سیاست‌هایی را فراهم کند که هم فشار بر شبکه برق را کاهش دهد و هم نیازهای خانوارها را در نظر بگیرد. محمدرضا منجذب، دانشیار گروه اقتصاد امور عمومی دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، به همراه دو همکار دیگر از همین دانشگاه، پژوهشی را درباره فاصله میان مصرف واقعی و مصرف مطلوب برق خانگی در استان‌های پرمصرف ایران انجام داده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است که مشخص شود خانوارها در استان‌های مختلف چه اندازه برق مصرف می‌کنند، چه عواملی این میزان را بالا یا پایین می‌برد و آیا مصرف موجود با سطحی که بر پایه مدل پژوهش مطلوب یا برآورد شده در نظر گرفته می‌شود، همخوانی دارد یا نه. پژوهشگران برای انجام این بررسی، اطلاعات ۲۰ استان کشور را در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ تحلیل کردند. آنان از داده‌های تابلویی استفاده کردند، یعنی اطلاعات چند استان را در چند سال کنار هم قرار دادند تا تغییرات مصرف برق در زمان و تفاوت‌های میان استان‌ها را هم‌زمان ببینند. در این مطالعه از روشی به نام «مدل دوربین فضایی» استفاده شده است. مقصود از فضایی در اینجا، بررسی ارتباط و شباهت احتمالی میان استان‌ها از نظر الگوی مصرف و منابع برقی است.

گزارش «تعادل» از ظهور یک ناترازی جدید انرژی

بهای سنگین اروپا برای گذارِ شتاب‌زده به انرژی پاک

گلناز پرتوی مهر |

تاریخِ امنیت انرژی اروپا، قصه پایان‌ناپذیرِ تلاش برای رهایی از وابستگی است. قاره‌ای که سال‌ها با بند ناف انرژی فسیلی روسیه نفس می‌کشید، اکنون در میانه یک چرخش تاریخی به سوی «سبز شدن» است. اما این گذارِ پرشتاب، یک پارادوکس دردناک را عریان کرده است: اروپا در حالی که برای کاهش ردپای کربنی خود می‌دود، بی‌آنکه بخواهد، خود را در زنجیرهای تازه‌ای از وابستگی تکنولوژیک گرفتار کرده است. جایگزینی «گاز» با «پنل‌های خورشیدی و باتری» در ظاهر یک پیروزی محیط‌زیستی است، اما در بطنِ خود، امنیتِ استراتژیک اروپا را به یکی از پیچیده‌ترین دوراهی‌های تاریخِ معاصر این اتحادیه بدل کرده است.

اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر با شعار «پیمان سبز» و در سایه تحولات ژئوپلیتیک، تلاش کرد تا ساختارِ انرژی خود را بازتعریف کند. هدف روشن بود: خداحافظی با سوخت‌های فسیلی که نه تنها متهم ردیف اول تغییرات اقلیمی، بلکه ابزاری برای فشارِ سیاسی رقبای شرقی بودند. اما برنامه‌ریزانِ بروکسل، یک متغیر حیاتی را در معادلاتِ «امنیتِ انرژی» نادیده گرفتند یا شاید کمتر به آن بها دادند: «تکنولوژی تولید».

امروز، داده‌ها تصویری تکان‌دهنده را ترسیم می‌کنند. چین، با سیاستگذاری‌های هوشمندانه و یارانه‌های سنگین، به نبضِ تپنده انرژی‌های تجدیدپذیر جهان تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۸ درصد پنل‌های خورشیدی، ۸۸ درصد باتری‌های لیتیوم-یون و بیش از ۶۰ درصد اینورترهای مورد نیاز اروپا از چین تامین می‌شود. این ارقام نه‌تنها نشان‌دهنده یک «مزیت رقابتی» از سوی پکن، بلکه به معنای یک «آسیب‌پذیری راهبردی» برای قاره سبز است. عملا همان‌طور که روزگاری شیرهای گاز در سیبری، دمای خانه‌های اروپا را تعیین می‌کردند، امروز خطوط تولید در شنژن و شانگهای، سرعتِ گذارِ اقلیمی اروپا را دیکته می‌کنند.

یکی از نکات کلیدی در آسیب‌شناسی وضعیتِ فعلی، فقدانِ آینده‌نگری در دهه‌های گذشته است. در سطوح عالی مدیریتی اتحادیه اروپا، اعترافات صریحی درباره عقب‌ماندگی در ایجادِ زیرساخت‌های بومی تولید تجهیزاتِ سبز شنیده می‌شود. این رویکردِ «نوش‌دارو پس از مرگ سهراب» اکنون به صورت هزینه‌های سرسام‌آور اقتصادی خود را نشان می‌دهد.

استدلال منطقی این است: برای رسیدن به امنیتِ پایدار، اروپا باید ظرفیت تولید داخلی ایجاد کند. اما این کار، بهایی سنگین دارد. ساخت کارخانه‌های مدرن، استخراج معادنِ داخلی و بومی‌سازی فناوری باتری، مستلزمِ سرمایه‌گذاری‌های چند ده میلیارد یورویی و گذار از بروکراسی‌های دست‌وپاگیر است. هزینه‌ای که شاید ده سال پیش، با سیاستی دوراندیشانه‌تر، بسیار کمتر بود. اکنون، اتحادیه اروپا میان دو لبه یک قیچی گرفتار شده است؛ از یک سو، سرعتِ لازم برای دستیابی به اهداف اقلیمی که مستلزمِ وارداتِ ارزان و سریعِ تجهیزات چینی است؛ و از سوی دیگر، ضرورتِ امنیتِ ملی که حکم می‌کند باید وابستگی به خارج را قطع کرد. فراتر از تجهیزات، موضوع «مواد معدنی حیاتی» است. گذار به انرژی پاک، وابستگی فیزیکی به مواد خام را افزایش داده است. اگر در عصرِ نفت، مدیریتِ لجستیک کشتی‌های نفتکش اولویت بود، در عصرِ انرژی سبز، «زنجیره تامین مواد معدنی» اهمیت حیاتی دارد. چین با تسلط بر بخش بزرگی از فرآیندهای پالایش و استخراج این مواد، عملا گلوگاه‌های تولید باتری و توربین‌های بادی را در اختیار دارد.

این وابستگی، تنها امنیت انرژی را تهدید نمی‌کند؛ بلکه فراتر از آن، توسعه فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. هوش مصنوعی و دیتاسنترهای عظیم، تشنه انرژی هستند. اگر اروپا نتواند زیرساخت‌های انرژی خود را مستقل از چین مدیریت کند، در آینده‌ای نزدیک، کلِ اکوسیستمِ دیجیتالِ اروپا نیز می‌تواند گروگانِ چالش‌های ژئوپلیتیک مربوط به تامین تجهیزاتِ سبز باشد.

گزارش‌های رسمی نهادهای نظارتی اروپا، تصویری از بن‌بستِ فعلی ارایه می‌دهند. تلاش‌ها برای متنوع‌سازی تامین‌کنندگان، که شامل رایزنی با کشورهایی نظیر برزیل و ایجاد مکانیسم‌های تجمیع تقاضاست، تا این لحظه بیش از آنکه عملیاتی باشد، در حد «سیاست‌گذاری کاغذی» باقی مانده است. موانعِ تولید در اروپا، هزینه‌های نیروی کار و استانداردهای سخت‌گیرانه زیست‌محیطی داخلی، باعث شده تا محصولاتِ چینی با اختلافی فاحش در قیمت، همچنان انتخابِ اولِ بازار باشند.

بازیافتِ مواد معدنی نیز که به عنوان یکی از راه‌های رهایی از وابستگی مطلق مطرح می‌شود، هنوز در مراحلِ جنینی است و نمی‌تواند در کوتاه‌مدت، عطشِ سیری‌ناپذیر صنعت انرژی سبز اروپا را سیراب کند. اروپا در وضعیتی مشابه «برزخ راهبردی» قرار دارد. نمی‌تواند با سرعتِ مورد نظرِ اهدافِ اقلیمی حرکت کند و همزمان، وابستگی تکنولوژیک خود به چین را حفظ کند. این یک «بازی با حاصلِ جمع صفر» نیست، بلکه یک «بازی زمانی» است. اگر اروپا نتواند در پنج سالِ آینده، زنجیره تولیدِ خود را به‌طورِ ملموس بومی‌سازی کند، باید بپذیرد که «امنیت انرژی» تعریفی جدید پیدا کرده است؛ تعریفی که در آن وابستگی به روسیه با وابستگی به تکنولوژی چین، صرفا یک جابه‌جایی نام در نقشه است. برای عبور از این برزخ، اروپا نیاز به یک «مدیریت ریسک تهاجمی» دارد. اولویت‌بندی تولید داخلی حتی به قیمت افزایش تورم انرژی در کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاری عظیم روی تحقیق و توسعه برای کاهشِ اتکا به مواد معدنی خاص، و ایجادِ شراکت‌های پایدارتر با کشورهایی که در زنجیره تامین نقش دارند، گزینه‌های روی میز است. اما مهم‌تر از همه، تغییرِ پارادایمِ ذهنی در بروکسل است؛ اینکه امنیت انرژی، دیگر نه با مدیریت واردات، بلکه با مدیریتِ تولیدِ داخلی در خاک اروپا معنا می‌شود. گذارِ سبز، اگر به قیمتِ از دست رفتنِ استقلال صنعتی تمام شود، شاید سبز باشد، اما قطعا امن نخواهد بود.

صادرات نفت خام یک ساعت هم متوقف نشد

وزیر نفت از افزایش تولید نفت و گاز، شتاب گرفتن جمع‌آوری گازهای مشعل، اجرای طرح‌های فشارافزایی پارس جنوبی، افزایش ظرفیت فرآورش نفت خام در میدان‌های مشترک و توقف واردات گازوئیل طی فعالیت دو ساله وزارت نفت در دولت چهاردهم خبر داد و گفت: صادرات نفت خام کشور در طول جنگ ۴۰ روزه حتی یک ساعت هم متوقف نشد.

به گزارش ایسنا، محسن پاک‌نژاد در تشریح عملکرد دو ساله صنعت نفت طی دوران فعالیت دولت چهاردهم، گفت: یکم شهریور ۱۴۰۳ که وارد وزارت نفت شدم موضوع ذخیره‌سازی‌های سوخت کشور نخستین موضوعی بود که در نشستی با مدیران ارشد صنعت نفت به بحث و بررسی گذاشته شد، متأسفانه در آن زمان گزارش‌ها در زمینه ذخیره‌سازی‌های بنزین و گازوئیل نیروگاهی تا حدودی نگران‌کننده بود.

وی افزود: شهریور، ماه سفرهاست و به‌طور طبیعی نسبت به دیگر ماه‌های سال، مصرف بنزین افزایش می‌یابد، درباره گازوئیل ذخیره‌شده در نیروگاه‌ها هم پس از دو تا سه ماه با فصل سرد روبه‌رو خواهیم بود و سازوکار تأمین گاز نیروگاه‌ها به دلیل افزایش مصرف در بخش‌های خانگی و تجاری تا اندازه‌ای محدود می‌شود بنابراین نیروگاه‌ها باید گازوئیل را جایگزین گاز طبیعی کنند.

وزیر نفت گفت: در نخستین ملاقات با رییس جمهوری گزارش نخست بنده به ایشان درباره وضع ذخیره‌سازی‌های سوخت بود، در زمان ارایه گزارش با استناد به اعداد و ارقام، واکنش ایشان بسیار جالب بود؛ ضمن نگرانی و دغدغه‌مندی با خونسردی پرسید: «برنامه شما چیست؟»

پاک‌نژاد با اشاره به اینکه از آن پس رییس جمهوری به‌طور مستمر در مقاطع زمانی سه تا چهار روز یک‌بار پیگیر این موضوع بود، تصریح کرد: هفته‌ای یک‌بار با برگزاری نشست، وضع ذخیره‌سازی گاز و گازوئیل نیروگاه‌ها بررسی و تعادلی میان وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت (صمت) و نیرو برقرار شد تا بتوانیم با همکاری و هم‌افزایی حرکت کنیم و کشور در این حوزه با مشکل تأمین سوخت روبه‌رو نشود.

وی گفت: طرح فشارافزایی میدان گازی پارس جنوبی تا حدودی عقب‌ماندگی داشت و شاید سال‌ها پیش باید آغاز می‌شد، همزمان در طول ۶ ماه از زمان آغاز فعالیت در دولت چهاردهم گروه‌های کارشناسی متمرکز بر آماده کردن قرارداد این طرح توسعه‌ای بودند.

وزیر نفت گفت: قرارداد فشارافزایی پارس جنوبی از این نظر اهمیت دارد که به هر حال گام نخست برای آغاز عملیات اجرایی است. دغدغه و نگرانی درباره افت فشار در این میدان مشترک گازی از سال‌ها پیش وجود داشته، افت فشار به معنای کاهش برداشت از این میدان است و کاهش برداشت هم به ناترازی‌هایی که از گذشته وجود داشته است، دامن می‌زند؛ ناترازی‌هایی که از ۱۵ تا ۲۰ سال پیش به‌تدریج به آن اضافه شده و در سال ۱۴۰۳ به اوج خود رسیده بود.

پاک‌نژاد تصریح کرد: اعداد و ارقامی که در حوزه گاز با آن روبرو بودیم، برای ناترازی قابل توجه بود و باید برای آن تدبیری می‌اندیشیدیم بنابراین نخستین قرارداد بزرگ صنعت نفت در اسفندماه ۱۴۰۳ با حضور رییس جمهوری امضا شد. وی با اشاره به جنگ ۱۲ روزه افزود: در جنگ ۱۲ روزه یکی از انبارهای نفت تهران هدف قرار گرفت که نقشی تعیین‌کننده در تأمین و توزیع سوخت داشت. در ادامه، پالایشگاه‌های گازی فجر جم و فاز ۱۴ پارس جنوبی هم مورد اصابت قرار گرفتند. وزیر نفت ادامه داد: با وجود این اصابت‌ها و جهش مصرف بنزین در روزهای نخست جنگ ۱۲ روزه که مصرف را به آستانه روزانه ۲۰۰ میلیون لیتر رساند، در حوزه ذخیره‌سازی‌ها و انبارهای بنزین و سوخت شهر تهران خوشبختانه با مشکل جدی روبه‌رو نشدیم. در حوزه گاز هم با وجود اصابت به پالایشگاه‌های فجر جم و فاز ۱۴ پارس جنوبی، با کمبود روبه‌رو نشدیم.

پاک‌نژاد با اشاره به اقدام‌ها برای افزایش تولید گاز در سال ۱۴۰۳ گفت: در کنار تلاش همکاران برای افزایش تولید گاز، اقدام دیگری که اهمیت داشت، مدیریت تعمیرات اساسی پالایشگاه‌های گاز بود. این تعمیرات باید تا شهریور به پایان می‌رسید، اگر می‌خواستیم تعمیرات اساسی را در آن مقطع انجام بدهیم، به ماه‌های آبان و آذر می‌رسیدیم که بخشی از ظرفیت تولید گاز در دسترس قرار نمی‌گرفت و شرایط را دشوارتر می‌کرد.

بنابر اعلام وزارت نفت وی افزود: بنابراین تلاش کردیم تولید را افزایش بدهیم و یکی از عوامل بسیار موثر در مدیریت مصرف گاز طی زمستان ۱۴۰۳، نقشی بود که بخش‌های مختلف جامعه و مردم ایفا کردند. این پیشنهاد به‌صورت مستقیم از سوی رییس جمهوری مطرح و با عنوان «پویش دو درجه کمتر» اجرا شد. این پویش، بر اساس اعداد و ارقام، بسیار موثر بود. شخص رییس جمهوری مطرح‌کننده این پویش بود و بر اجرا و نقش‌آفرینی بخش‌های مختلف کشور در آن، اصرار ورزید. وزیر نفت با بیان اینکه پس از جنگ ۱۲ روزه، کشور شرایط خاصی داشت، اما همزمان مباحث مربوط به طرح‌های افزایش تولید نفت و گاز را ادامه دادیم، گفت: در حوزه افزایش تولید نفت، قراردادی برای افزایش روزانه ۲۵۰ هزار بشکه تولید نفت داشتیم که سازوکارهای مرتبط با آن نیازمند مطالعه، بررسی و دریافت مصوبه‌هایی بود. این مصوبه‌ها را در فاصله پس از جنگ ۱۲ روزه دریافت کردیم و در عمل وارد مرحله اجرا شدیم. خوشبختانه روزانه حدود ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه از این ۲۵۰ هزار بشکه را توانستیم محقق کنیم.

پاک‌نژاد جمع‌آوری گازهای مشعل را از محورهای مورد تأکید رییس جمهوری دانست و بیان کرد: پیگیری‌ها در این زمینه به گونه‌ای بود که تقریبا در هر تماس تلفنی با رییس جمهوری، حتی اگر موضوع دیگری مطرح بود، در پایان گفت‌وگو ایشان درباره سازوکار اجرای طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل می‌پرسید.

وی ادامه داد: رییس جمهوری به درستی اهمیت این پروژه‌ها را متوجه شده بود و مصرانه پیگیری می‌کرد و چند بار در نشست‌های مختلف تأکید کرد «هر مشکلی در این باره وجود دارد، اشاره کنید، بنده حل می‌کنم» تا اجرای این پروژه به‌دلیل نبود هماهنگی احتمالی میان دستگاه‌ها سبب تأخیر نشوند.

وزیر نفت افزود: با پیگیری‌های مستمر رییس جمهوری، از ابتدای دولت چهاردهم تا امروز حدود ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار مترمکعب در روز گازهای مشعل را در قالب پروژه‌های مختلف جمع‌آوری کردیم. این پروژه یکی از مصادیق روشن جلوگیری از هدررفت انرژی و منابع کشور به شمار می‌رود که باید تا رسیدن به نتیجه با جدیت دنبال شود.

پاک‌نژاد با اشاره به آغاز حفاری درون‌میدانی در پارس جنوبی در سال ۱۴۰۴ گفت: این طرح با شتاب و رشد مناسبی ادامه یافت. بیش از ۳۰ حلقه چاه برنامه‌ریزی شده بود که در حوزه پارس جنوبی در قالب چند پیمان حفاری شود. این طرح نیز ادامه یافت و تعدادی از این چاه‌ها به نتیجه رسیده‌اند. به نتیجه رسیدن چاه‌های حفاری و درون‌میدانی پارس جنوبی به افزایش تولید گاز کشور کمک کرده است.

وی با بیان اینکه سال ۱۴۰۴ را با تمرکز بر طرح‌های راهبردی ادامه می‌دادیم که به ۹ اسفند رسیدیم و بار دیگر کشور هدف حمله دشمن امریکایی-صهیونیستی قرار گرفت، تصریح کرد: تعدادی از همکاران عزیز ما در جریان حمله‌های دشمن به شهادت رسیدند؛ همکارانی که در آن لحظات سخت پای کار ایستاده بودند و برای ایران تلاش کردند. یاد و خاطره همه این همکاران عزیز را در کنار دیگر شهدای گرانقدر صنعت نفت در طول جنگ ۴۰ روزه گرامی می‌داریم. وزیر نفت با اشاره به اینکه در طول جنگ ۴۰ روزه شاهد آسیب‌های بیشتری بودیم، بیان کرد: شانزدهم یا هفدهم اسفند بود که بار دیگر انبارهای نفت تهران مورد هجوم قرار گرفت. ساعت هشت شب، زمانی که یکی از این تأسیسات هدف قرار گرفت، از محلی دور و روی ساختمانی ایستادم و شراره‌های آتش را دیدم. شرایط بسیار نگران‌کننده بود.

پاک‌نژاد ادامه داد: انبارهای نفت ری، شهران و قوچک هدف قرار گرفتند. تأسیسات بارگیری انبار نفت ری هم آسیب دید. همزمان یکی از انبارهای نفت استان البرز هدف قرار گرفت و شرایط بسیار نگران‌کننده شد. تأسیسات بارگیری از این جهت اهمیت داشت که با آسیب دیدن آن، امکان سوخت‌رسانی به استان‌های شمالی کشور می‌توانست مختل شود. طبق قاعده، چنین اتفاقی باید سوخت‌رسانی را با مشکل روبرو می‌کرد و هدف دشمن نیز ایجاد همین اختلال بود.

وی افزود: همان شب گردهم آمدیم و درباره راهکارها بحث کردیم. برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و چهار چوب‌هایی تعریف کردیم تا کمترین اختلال در حوزه سوخت‌رسانی استان تهران و استان‌های شمالی کشور ایجاد شود.

وزیر نفت ادامه داد: بخشی از لجستیک را که در جنوب کشور قرار داشت به شمال منتقل کردیم و بخشی از امکانات نواحی مرکزی کشور را به تهران انتقال دادیم تا امکان انتقال سوخت از مسیرهای جاده‌ای فراهم شود. تدابیر دیگری اندیشیده شد که اکنون به آنها اشاره نمی‌کنم و در زمان دیگری روایت خواهم کرد که در این زمینه چه اقدام‌هایی انجام شد.

پاک‌نژاد گفت: همکاران ما کارهای بسیار ارزشمندی انجام دادند و خوشبختانه پس از چند روز، اوضاع از حالت نگرانی به پایداری نسبی رسید و مدیریت سوخت‌رسانی در شمال کشور به نحوی مطلوب انجام شد.

وی بیان کرد: ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۴ حادثه تلخی رخ داد و دشمن پالایشگاه‌های سوم تا ششم عسلویه، را هدف قرار داد. در دقایق نخست که گزارش این حادثه به دستم رسید، حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بعد توانستم موضوع را به رییس جمهوری منتقل کنم. در ساعات اولیه بسیار نگران بودیم که اوضاع چگونه پیش خواهد رفت.

وزیر نفت با بیان اینکه مجبور شدیم بخش مهمی از تولید را کاهش دهیم، گفت: خوشبختانه با تسلط تخصصی و فنی همکاران شرکت‌های ملی نفت و گاز، توانستیم ظرف چند ساعت بخش‌هایی از ظرفیت را به چرخه عملیات بازگردانیم. بخش قابل توجهی از ظرفیت از دست‌رفته را بازگردانده‌ایم و این فرایند همچنان ادامه دارد. یک تا سه روز پس از اصابت، عملیات بازسازی آغاز، نشست‌های هماهنگی برگزار و مسوولیت‌ها مشخص و تفکیک شد و برای هر بخش از پروژه وظایف مشخصی تعریف کردیم.

پاک‌نژاد افزود: فرایند بازسازی پالایشگاه‌ها به‌طور معمول پس از وقوع چنین حوادثی با آواربرداری آغاز می‌شود. این فرایند حدود دو تا سه روز پس از حادثه آغاز شد و امروز بخش قابل توجهی از بازسازی انجام شده است. امیدواریم ظرف چند ماه آینده نتایج این بازسازی را شاهد باشیم و افزایش تولید گاز کشور محقق شود.

وی درباره حضور رییس جمهوری در وزارت نفت در روزهای جنگ گفت: در طول روزهای جنگ که بخش عمده‌ای از آن وارد سال ۱۴۰۵ شده بود، رییس جمهوری با وجود محدودیت‌های حفاظتی، چند نوبت به‌صورت سرزده برای دیدار با ما به وزارت نفت آمد. ما در بعضی از روزها در این ساختمان مستقر نبودیم و مجبور بودیم در ساختمان‌های دیگری فعالیت کنیم. حضور رییس جمهوری با توجه به روحیه مردمداری، صداقت و شجاعت ایشان بسیار قابل توجه بود. وزیر نفت ادامه داد: همه ما شاهد این شجاعت در عرصه‌های مختلف بودیم و این ویژگی به‌عنوان یکی از صفات بارز رییس جمهوری بروز و ظهور داشت. ایشان هنگام حضور نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را می‌شنید و رهنمودهایی ارایه می‌داد. بعضی موارد برای من بسیار جالب بود؛ با وجود اینکه انتظار می‌رفت ایشان تخصص مستقیم در این زمینه نداشته باشد، نکاتی را مطرح می‌کرد که بسیار کارگشا بود.

پاک‌نژاد تأکید کرد: بی‌تعارف و مبالغه عرض می‌کنم. همکاران ما هم شاهد بودند و برایمان جالب بود که رییس جمهوری تا این اندازه به این مسائل توجه داشتند و دقیق به نکاتی اشاره می‌کرد که می‌توانست در حل مسائل بسیار موثر باشد.

وی با بیان اینکه حضور ایشان را فراموش نمی‌کنم، افزود: در شرایط خاص آن روزها، چهره رییس جمهوری و صلابت و شجاعت ایشان را مشاهده می‌کردیم و می‌دیدیم که محدودیت‌ها را پشت سر می‌گذارند. البته یکی از گلایه‌ها و توصیه‌هایی که به عنوان برادر کوچک‌تر ایشان همیشه مطرح می‌کردم، این بود که «آقای رییس جمهور، انصافا مراقب خودتان باشید. به هر حال چشم این مردم به عنوان رییس جمهوری به شماست و خدای نکرده اتفاقی در این حوزه نیفتد.» وزیر نفت با اشاره به اینکه در سال ۱۴۰۵ با حمله دشمن به عرصه پتروشیمی‌ها در ماهشهر و عسلویه روبه‌رو شدیم، گفت: این حمله‌ها حساب‌شده بود و بخشی از واحدهای یوتیلیتی ما که وظیفه تأمین بخار، برق، نیتروژن و دیگر خدمات مورد نیاز واحدهای فرایندی را به عهده دارند، مورد اصابت قرار گرفتند. در روزهای نخست، ظرفیت قابل توجهی از تولید صنعت پتروشیمی را از دست دادیم. از دست رفتن این ظرفیت به‌طور مستقیم بر تأمین بعضی از کالاها تأثیر می‌گذارد، زیرا زنجیره ارزش تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ممکن است مردم در تأمین برخی کالاها با مضیقه روبرو شوند. پاک‌نژاد ادامه داد: در این زمینه نیز برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و با همکاری دیگر دستگاه‌های اجرایی کشور، وزارتخانه‌های صمت و نیرو، اقدام‌های لازم در همان روزهای جنگ و در چهار چوب نشست‌های مختلف انجام و شرایط تا حدود زیادی مدیریت شد. آیندگان بی‌شک قضاوت خواهند کرد که مردم و نیروهای مسلح ما چگونه در برابر این اوضاع مقاومت کردند.

وی با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های همیشگی رییس جمهوری، تأمین معیشت و نیاز مردم به بهترین نحو ممکن بوده است، بیان کرد: ایشان در این حوزه مرتب تأکید می‌کرد و نکات و رهنمودهای خود را ارائه می‌داد. این موضوع به عنوان خط‌مشی دایمی مطرح بود؛ با توجه به مسیرهای تخصصی گوناگون که در دستگاه‌های دولتی وجود دارد، هر دستگاه وظیفه مشخصی داشت که همسو با این هدف و پیگیری مستمر رییس جمهوری، ماموریت را دنبال کند. وزیر نفت یکی از اقدام‌های ماندگار صنعت نفت ایران را صادرات نفت در جریان جنگ ۴۰ روزه دانست و گفت: یکی از نکاتی که علاقه‌مندم به آن اشاره کنم و به واقع جزو کارهای ماندگار صنعت نفت ایران است، صادرات نفت خام در فاصله جنگ ۴۰ روزه است. از ۹ اسفند تا زمانی که در اواخر فروردین در عمل وارد آتش‌بس موقت شدیم که پس از آن به محاصره منتهی شد، صادرات نفت خام کشور حتی یک ساعت هم متوقف نشد.

پاک‌نژاد با اشاره به حمله‌ها به جزیره خارک افزود: این جزیره با وسعت ۲۳ تا ۲۴ کیلومتر، بیش از ۵۵۰ بار هدف حمله قرار گرفت، اما حتی زیر بمباران، همکاران ما نفتکش‌ها را بارگیری می‌کردند. این از اقدام‌هایی است که به واقع تاریخ باید درباره آن قضاوت کند و من وظیفه خود می‌دانم در برابر این کار ارزشمند همکارانمان در سراسر صنعت نفت، به‌ویژه در زمینه صادرات نفت، سر تعظیم فرود بیاورم.

رویداد

وام‌های نفتی چین به ونزوئلا به خطر افتاد

ده‌ها میلیارد دلار وامی که چین به ونزوئلا اعطا کرده و نفت را به عنوان بازپرداخت پذیرفته است، در پی توافق نفتی عظیمی که اخیرا میان واشنگتن و کاراکاس اعلام شده است، به خطر افتاده است. به گزارش ایسنا، برای دهه‌ها، ونزوئلا یکی از مهم‌ترین شرکای چین در امریکای لاتین و بزرگ‌ترین دریافت‌کننده بودجه دولتی چین در امریکای لاتین بوده است، به‌طوری که پکن ده‌ها میلیارد دلار به کاراکاس وام داده و نفت را به عنوان بازپرداخت پذیرفته است. بانک‌های سیاستی چین تا سال ۲۰۱۵ حداقل ۶۰ میلیارد دلار تامین مالی با پشتوانه نفتی به این کشور ارائه داده‌اند، در حالی که برآوردهای گسترده‌تر از تعهدات وام و سرمایه‌گذاری چین بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار است. تحلیلگران تخمین می‌زنند که کاراکاس هنوز حداقل ۱۰ میلیارد دلار به وام‌دهندگان چینی بدهکار است. بازیابی این پول هرگز آسان نبود، اما ترتیبات جدید ترامپ برای نفت ونزوئلا، این امر را برای پکن حتی چالش‌برانگیزتر خواهد کرد، زیرا بخش قابل توجهی از تولید نفت آینده این کشور اکنون تحت کنترل منافع همسو با امریکا خواهد بود. توافق چند میلیارد دلاری هفته گذشته با شرکت «ورث امریکن بلو انرژی پارتنرز» (NABEP) برای گسترش تولید و تجاری‌سازی ذخایر عظیم نفتی ونزوئلا، شامل میدان‌هایی می‌شود که قبلا توسط شرکت‌های چینی و یک شرکت روسی اداره یا پیگیری می‌شدند. شرکت NABEP که قبلا متعلق به هری سارجنت، غول نفتی امریکایی بود و اکنون توسط الخاندرو بتانکورت، تاجر ونزوئلایی کنترل می‌شود، می‌گوید که قصد دارد تا ۱۰۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌های نفتی ونزوئلا سرمایه‌گذاری کند. طبق اعلام کاخ سفید و شرکت NABEP، این شرکت حق ۱۰۰ ساله بر ۱۷ میدان در منطقه دریاچه ماراکایبو و منطقه «اورینوکو بلت» را دریافت کرده است. این میدان‌ها حاوی حدود ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده (حدود یک پنجم کل ذخایر ونزوئلا) هستند. این توافق به دولت ام